

۲۴ میلیون مادر؛ قصه جمعیت ایران



بیش از ۲۴ میلیون زن در ایران مادر شده‌اند و از این میان، بیش از ۱۰ میلیون نفر ۳فرزند یا بیشتر دارند؛ امری که تصویری از وضعیت خانواده‌های ایرانی و تفاوت‌های جمعیتی استان‌ها به‌دست می‌دهد. براساس گزارش مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال، ۲۴میلیون و ۱۵۹ هزار و ۸۰۴ زن در ایران تجربه مادری دارند. طبق این گزارش، بیش از ۹۱ درصد خانواده‌های ایرانی دارای فرزند هستند و ۱۰ میلیون و ۳۵۵ هزار و ۱۷۳ مادر نیز ۳فرزند یا بیشتر دارند اما همه این مادران در یک گروه سنی قرار نمی‌گیرند. از میان مادران دارای ۳فرزند و بیشتر، حدود ۳میلیون نفر کمتر از ۵۰سال دارند و بیش از ۶میلیون نفر ۵۰ساله و بالاتر هستند. به این ترتیب، حدود ۲۴درصد از این مادران هنوز به ۵۰سالگی نرسیده‌اند؛ موضوعی که در بررسی وضعیت سنی مادران و تحولات جمعیتی کشور اهمیت دارد. تگاهی به نقشه استان‌ها نیز تفاوت‌های قابل توجهی را نشان می‌دهد. از مجموع مادران دارای ۳فرزند و بیشتر، ۱۲ درصد در استان تهران زندگی می‌کنند، ۹درصد ساکن خراسان رضوی هستند، ۷درصد در خوزستان و ۵درصد در سیستان و بلوچستان سکونت دارند.

البته سهم مادران زیر ۵۰سال در همه استان‌ها یکسان نیست. در سیستان و بلوچستان، ۶۵درصد مادران دارای ۳فرزند و بیشتر کمتر از ۵۰سال دارند. این سهم در هرمزگان به ۴۹ درصد، خراسان جنوبی به ۴۳درصد و در بوشهر، کرمان و کهگیلویه و بویراحمد به ۴۱درصد می‌رسد. در سوی دیگر این نقشه، استان‌های شمالی قرار دارند؛ جایی که سهم مادران زیر ۵۰سال در میان مادران دارای ۳فرزند و بیشتر پایین‌تر است. این نسبت در مازندران ۱۵درصد و در گیلان ۱۴درصد گزارش شده است. این اعداد نشان می‌دهند که تصویر مادری و خانواده‌های پرجمعیت در کشور یکدست نیست و ساختار سنی مادران در استان‌های مختلف تفاوت دارد؛ تفاوتی که در تحلیل روندهای جمعیتی و برنامه‌ریزی برای آینده خانواده‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

تأثیر مثبت معدل به جای تأثیر قطعی

با افزایش نقش سوابق تحصیلی در کنکور، بازار کتاب‌ها و خدمات مربوط به ترمیم معدل نیز در کنار بازار آمادگی آزمون گسترش پیدا کرده است؛ موضوعی که به گفته امراپی، هزینه بیشتری به خانواده‌ها تحمیل می‌کند. او

اصل و شرح

با تأکید بر اهمیت کتاب‌های درسی معتقد است تأثیر قطعی معدل تنها راه تقویت جایگاه آموزش مدرسه‌ای نیست. پیشنهاد او استفاده از تأثیر مثبت معدل است؛ یعنی نمره‌های امتحانات نهایی زمانی در نتیجه کنکور اثر بگذارند که به بهبود وضعیت داوطلب کمک کنند. او همچنین معتقد است باید با بررسی نتایج پذیرش در سال‌های مختلف مشخص شود تغییر شیوه تأثیر

آدرس رتبه‌های برتر کنکور کجاست؟

۶۸ درصد رتبه‌های برتر سمپادی‌اند و نیمی از آنها تهرانی



سهمیه مناطق یا دهک‌های اقتصادی؟

قرار گرفتن محله‌های مختلف تهران در منطقه یک تفاوت امکانات آموزشی و اقتصادی دانش‌آموزان را به‌درستی منعکس نمی‌کند. دانش‌آموز یک محله بر خوردار ممکن است به امکاناتی دسترسی داشته باشد که برای دانش‌آموز محله‌ای کمر خوردار فراهم نیست. پیشنهاد این کارشناس بازنگری در تقسیم‌بندی مناطق و توجه به دهک اقتصادی خانواده‌هاست؛ به‌گونه‌ای که وضعیت اقتصادی خوار نیز در ارزیابی فرصت‌های آموزشی داوطلبان لحاظ شود.

اختلاف بر سر مقررات و سهمیه‌ها

تعارض میان برخی تصمیم‌ها اجرای مقررات را با چالش روبه‌رو کرده است. از نگاه امراپی، دانش‌آموزان و خانواده‌ها به چارچوبی روشن و بانیات نیاز دارند تا بتوانند برای آینده تحصیلی خود برنامه‌ریزی کنند. سهمیه‌های پذیرش نیز همچنان محل بحث‌اند. امراپی در این گفت‌وگو به نمونه‌ای اشاره می‌کند که پیش‌تر در رسانه‌ها مطرح شده بود؛ قبولی داوطلبی با رتبه بالای ۲۰۰ هزار در رشته پزشکی از طریق سهمیه‌ای که به گفته او بعداً باطل شد. بررسی چنین مواردی مستلزم روشن شدن نوع سهمیه، ضوابط پذیرش و سرانجام پرونده است.

رتبه‌های برتر در اختیار تهرانی‌ها

امارهایی که امراپی در این گفت‌وگو مطرح کرده از تمرکز رتبه‌های برتر در مدارس سمپاد و شهر تهران حکایت دارد. به گفته او، ۶۸درصد از ۴۰رتبه برتر کنکور امسال از مدارس سمپاد بوده‌اند و نیمی از این رتبه‌ها نیز به داوطلبان تهرانی اختصاص داشته است. در رشته هنر، هر ۵نفر نخست تهرانی بوده‌اند و در رشته زبان‌های خارجی نیز ۴نفر از هر تبه نخست به داوطلبان این شهر رسیده است.

وقتی هزینه آموزش به مانع تبدیل می‌شود

مدارس غیردولتی در دهه ۷۰ با ایده مشارکت مردم در اداره مدارس و کمک به نظام آموزشی شکل گرفتند، اما به اعتقاد امراپی، رقابت میان مدارس و تفاوت امکانات در عمل به نفع خانواده‌هایی تمام شده که توان پرداخت هزینه‌های بیشتری دارند. افزایش هزینه‌های آموزش، کتاب‌های کمک‌آموزشی و آمادگی کنکور نیز فشار بیشتری بر خانواده‌ها وارد کرده است. در چنین شرایطی، موفقیت در کنکور فقط به میزان تلاش دانش‌آموز وابسته نیست؛ دسترسی به کلاس‌های آموزشی، منابع کمک‌آموزشی و فرصت ترمیم نمره‌ها هم می‌تواند بر نتیجه نهایی اثر بگذارد.

یکشنبه شب بود که تیم ۲ بارسلونا و رئال مادرید رودروی هم قرار گرفتند. اینکه نتیجه فوتبال به چه ختم شد برای همه فوتبال‌دوستان عیان است؛ نکته مهم این بود که در میان اخبار جنگ، باز هم

ردشادی ال کلاسیکو در تهران و زاهدان



گزارش

صفحه‌آرا: حامد بزداپی

مکت

نامه‌ای که به‌دست رهبر شهید رسید

این روزها ماکت‌ها و تصاویر کوچک و بزرگ محمود که در گوشه‌گوشه خانه به‌امیر حسام و مادرش لیختند می‌زند، همرا زینب هستند، اما تا پیش از آن شب که راز نامه‌نگاری‌های زینب فاش شد، او کاغذهای سفید را محرم اسرار و پیام‌رسان امین خود می‌دانست و هر خواسته و آرزویی داشت، زود دست به قلم می‌شد. بار اول هم سال ۱۳۹۱ بود که آقای تازه‌داماد باید برای گذاندن دوره خدمت سربازی به شهر کرمان می‌رفت: «یک سال بعد از عقد ما وقت خدمت سربازی محمود رسید و باید دوره آموزشی را در مرکز ۰۵ کرمان می‌گذراند. پدرم دو سال قبل از دنیا رفته بود و اگر او هم به کرمان می‌رفت، من برای مخارج و مشکلات زندگی، من دست تنها می‌ماندم. در آن اوضاع نوشتن و کمک‌خواستن از رهبر بود. به رهبر شهید نامه نوشتم و مشکلم را برایش توضیح دادم. روی پاکت هم نوشتم مدبونید اگر کسی غیر از رهبر این نامه را بخواند! چند روز بعد از دفتر رهبری به من زنگ زدند و گفتند رهبر نامه‌ات را پیگیری کرده‌اند و همسرت می‌تواند در شهر خودتان خدمت سربازی‌اش را بگذراند.»



درد دل پسر با عکس پدر

انتشار ویدئوی درد دل فرزند شهید محمود نجفی با تصویر پدرش یاد جنایت جنگی لامرد را زنده کرد

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار | هر روز وقتی محمود به خانه می‌رسید، همان دم در با دست‌های پر قوت و ورزش‌ده‌اش امیر حسام را از زمین بلند می‌کرد و آندرد می‌چرخاند که صدای خنده‌های این خانواده ۳ نفره تا هفت کوجه آن طرف‌تر می‌رسید و همسایه‌ها باخبر می‌شدند که آقای مربی از سر کار برگشته است. تا نیمه‌شب هم آرام نمی‌گرفتند و صدای کری خوانی پر هیجان و ریسه‌رفتن‌های پر هیاهوی امیر حسام که با پدر و مادر جوان ورزش‌گارش مسابقه دو می‌گذاشت، سکوت کوجه‌پس کوجه‌های شهر لامرد را می‌شکست، اما از اسفند سال گذشته که از تش آمریکا با بیماران شهر لامرد، از موشک بی.آر.اس.ام مرگبار خود رونمایی کرد، کوجه‌های لامرد و خانه باصافی آقای مربی در سکوتی تلخ فرو رفته و ماکت و تصاویر بزرگ و کوچک بابای قهرمان امیر حسام، همدم بی صدای او و مادر جوانش شده‌اند. امیر حسام تنها فرزند شهید محمود نجفی، مربی و معلم ورزش شهر لامرد است که در حمله دشمن به این شهر، جانش را اسیر بلای شاکردان خردسالش کرد. این روزها انتشار ویدئوهای درد دل امیر حسام با ماکت پدر قهرمانش، اتفاقات تلخ آن روز را برای کاربران فضای مجازی زنده کرده است.

گزارش

یادت باشد! توی منی!
صبح روز نهم اسفند خبر حمله دشمن و شروع جنگ به شهر لامرد رسیده بود و آقای مربی فکر می‌کرد شاکردانش مثل هر روز به باشگاه بیایند، ولی وقتی به آنجا رفت ۵۰ شاکرد خردسالش قیراق و سر حال چشم به راه او بودند تا تمرین فوتبال را شروع کنند! تعریف اتفاقات آن روز برای زینب دلبنوا، همسر آقای مربی، تلخ و دشوار است. او می‌گوید: «محمود وقتی دید همه بچه‌ها آمده‌اند، دلش نیامد آنها را به خانه بفرستد و تمرین را بر گزار کرد. امیر حسام هم همراه پدرش به باشگاه رفته بود.» محمود عادت نداشت که امیر حسام را دست کسی بسپارد و آن روز زمانی که مادر ایلپا، امیر حسام را به خانه آورد، دلشوره به‌جان زینب افتاد؛ اما وقتی صدای مهربان و خسته محمود را پشت تلفن شنید دلش آرام گرفت: «ایلپا یکی از شاگردان همسرم بود و مادرش به محمود سپرده بود مراقب او باشد. محمود روز و بود و پشت تلفن گفت امروز تمرین دادن بچه‌های خردسال او را خیلی تشنه کرده و چون نمی‌توانست مراقب امیر حسام باشد (که مزاحم تمرین شاکردان بزرگ‌ترش نشود) او را زودتر به خانه فرستاده بود.» فقط چند لحظه بعد از قطع شدن تلفن صدای انفجار شهر لامرد را می‌رزانند: «زود امیر حسام را که خواب بود، بیدار کردم و همانطور که مرتب شماره محمود را می‌گرفتم، خودم و امیر حسام را به تل خاکی که معروف به تل لامرد است، رساندم که در مسیر باشگاه بود. همه‌جا مثل صحرای محشر بود و در حالی که انفجارها ادامه داشت، هر کس به طرفی می‌دوید. روی تل با شنیدن خبر بمباران باشگاه شهید نجمی زانوهایم سست شد و دیگر نفهمیدم چطور خودم را به آنجا رساندم.» صدای انفجار باعث ترس و فرار ایلپا و چند کودک دیگر از زمین چمن شده بود و وقتی آقای مربی برای برگرداندن آنها دنبالش می‌رود، ترکش‌های سومین انفجار به او و بچه‌ها می‌رسد: «وقتی با بی تابی به این طرف و آن طرف می‌دویدم و سراغ محمود را می‌گرفتم، صدای خواهرم را شنیدم که می‌گفت زینب، محمود شهید شده... زینب، تونی زنی‌ها یادت باشد.»

حکایت عشق و عاشقی

قصه‌های عاشقانه زینب و شهید محمود از روزهای درس و دانشگاه شروع شده: «من و محمود دانشگاه دولتی جهرم بودیم. سال ۱۳۸۷ رشته تربیت بدنی دانشگاه دولتی جهرم بودیم. هنوز ترم اول بودیم که یک روز وقتی از کلاس زبان تخصصی بیرون آمدیم، محمود صدایم زد و گفت می‌توانم شماره تلفن شما را داشته باشم که اگر برای انتخاب واحد و کارهای دانشگاه مشکلی داشتم از شما کمک بگیرم؟ من با آنکه دیده بودم جوان نجیبی است، باز اذیتی نقاشی او را رد کردم. ولی آن بنویسم! من از اصرار او عصبانی شدم و بدون خداحافظی دور شدم، اما محمود باز هم دست‌بردار نبود و از یکی از دختران کلاس‌مان خواست جزوه‌های من را بگیرد و برای او ببرد. مدتی بعد که هم‌کلاسی‌های ما از علاقه محمود به من باخبر شدند هر کاری از دستشان بر می‌آمد انجام می‌دادند تا ما به هم برسیم. وقتی سال دوم دانشگاه بودیم محمود به خواستگاری من آمد، ولی چون هنوز شرایط ازدواج نداشت، پدر مرحومم به او دواج ما رضایت نداد. محمود باز هم خواستگاری من نکرد و گفت: «وقتی با بی تابی سال ۱۳۹۰ که دانشجوی سال سوم بودیم عقد کنان ما را برگزار کردند!»

ایرانی جماعت نشان داد که زور زندگی بیشتر است. چند و بند خواسشان هست که برای برد تیم محبوبشان در ال کلاسیکو در ۲ شهر زاهدان و تهران، حسابی در شبکه‌های اجتماعی ویرال شد. این ویدئو نشان

دادند طرفداران فوتبال حتی اگر سنگ هم از آسمان ببارد، خواسشان هست که برای برد تیم محبوبشان در ارو یا سنگ تمام بگذارند و حتی در نیمه شب با فریاد شادی به خیابان شهری در غرب آسیا بیایند.

۳ حمله در ۳۱ ثانیه

بعد از شهادت شهید نجفی و شاکردان خردسالش، همسرش زینب دلبنوا، گفتن از مظلومیت آنها و جنایت جنگی دشمن در شهر لامرد را رسالت و وظیفه خود می‌داند. او می‌گوید: «دشمن که پیش از شروع جنگ ادعا می‌کرد فقط محل‌های نظامی را هدف می‌گیرد، چرا با موشکی شهر کوچک ما را هدف گرفت که فقط برای نقطه‌زنی و کشتار جمعی ساخته شده؟ ۳ حمله پیاپی دشمن با ۲ موشک بی.آر.اس.ام در ۳۱ ثانیه اتفاق افتاد و در هر موشک این سلاح ۱۸۰هزار گلوله ساچمه‌ای (یعنی به‌ازای هر یک از ساکنان لامرد ۳ گلوله) به طرف شهر کوچک ما پرتاب شد. این گلوله‌ها برای کشتن همه مردم شهر کافی بود و ۲۱ شهید و ۱۵۰ نفر مجروح این حمله‌ها فقط افراد غیر نظامی بودند؛ غیر نظامیانی مثل همسرم و شاکردان خردسالش که با هزاران امید و آرزویی که روی دلشان ماند، مظلوم و بی‌گناه به شهادت رسیدند.»



معدل چه اثری بر شانس قبولی دانش‌آموزان کمر خوردار داشته است. به گفته امراپی، سالانه حدود یک میلیون نفر به‌طور مستقیم و چند میلیون نفر دیگر به‌صورت غیر مستقیم با کنکور درگیرند. اگر این آزمون نتواند فرصت شناسایی استعدادها را برای دانش‌آموزان با شرایط متفاوت فراهم کند، ممکن است بخشی از ظرفیت‌های علمی کشور نادیده گرفته شود.

۱۵همت برای شیر مدارس



۱۵ هزار میلیارد تومان اعتبار برای تغذیه رایگان دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است؛ اعتباری که قرار است به بهبود وضعیت تغذیه‌ای کودکان کمک کند، اما فعلاً فقط دانش‌آموزان ابتدایی مدارس دولتی را پوشش می‌دهد. به این ترتیب، دانش‌آموزان مقاطع بالاتر و مدارس غیردولتی همچنان در انتظار گسترش این برنامه هستند.

احمد اسماعیل‌زاده، مدیر کل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، از آغاز اجرای برنامه شیر مدارس در اغلب استان‌ها طی هفته اول یا دوم آبان خبر داده و گفته، این برنامه که حالا عنوان «تغذیه رایگان مدارس» را دارد، با تمرکز بر توزیع شیر و فرهنگ‌سازی برای مصرف این ماده غذایی اجرا می‌شود. اعتبار در نظر گرفته‌شده برای آن در سال جاری نیز بیش از ۱۵ همت است؛ رقمی که نسبت به سال گذشته حدود ۲۰برابر افزایش یافته است. با وجود افزایش اعتبار، محدودیت منابع مالی اجازه نداده این برنامه همه دانش‌آموزان را دربرگیرد. اسماعیل‌زاده می‌گوید: وزارت بهداشت خواهان توزیع شیر در تمام مقاطع تحصیلی و مدارس دولتی و غیردولتی است، اما شرایط کنونی باعث شده اجرای طرح فعلاً به مدارس ابتدایی دولتی محدود بماند. قرار است این بار اثر بخشی برنامه نیز دقیق‌تر بررسی شود. طعم شیر، زمان توزیع و میزان دریافت کلسیم دانش‌آموزان در ابتدا و انتهای برنامه از جمله موارد ارزیابی است. همچنین وضعیت قد و وزن کودکان و شاخص‌هایی مانند کوزتافدی و لاغری آنها بررسی می‌شود تا مشخص شود توزیع شیر تا چه اندازه بر وضعیت وضعیت تغذیه‌ای استان‌ها نیز تنظیم شود؛ به‌طوری که مناطق کم‌برخوردار در اولویت دریافت شیر در روزهای بیشتر قرار بگیرند و در استان‌هایی با وضعیت تغذیه‌ای مطلوب‌تر، دفعات توزیع کمتر باشد. در کنار این برنامه، تدوین شاخص‌هایی برای سنجش آثار بلندمدت تغذیه رایگان مدارس نیز در دستور کار قرار دارد.